

<https://pecritique.com/>

نقد اقتصاد سیاسی
دی ماه ۱۴۰۲

حماس و اسرائیل: دوستانِ دشمنِ نما

جان گوردون

ترجمه‌ی خسرو صادقی بروجنی



اسرائیل پاکسازی قومی خود در غزه را «جنگ علیه حماس» توصیف می‌کند و هرگونه حمایت از فلسطین را «همدردی با تروریست‌ها» می‌داند. در عین حال، اسرائیل هر کاری که ممکن است انجام داده است تا تسلط حماس بر غزه را به عنوان موازنه‌ای در مقابل جریان‌های سوسیالیستی و سکولار مبارزه برای آزادی فلسطین تقویت کند. بنابراین چه کسی واقعاً به تروریسم دامن می‌زند؟

شعار کمونیست‌ها، «انتفاضه تا پیروزی»، عمداً توسط مرتجعان و اصلاح‌طلبان در سراسر جهان به اشتباه تعبیر شده است. در بریتانیا، «تلگراف» رفقای ما را به «تحریک خشونت» در دانشگاه‌ها متهم کرده است. در سوئیس، پلیس تلاش کرده است تا تظاهرات دانشجویان را پس از هشدار چندین روزنامه درباره‌ی «تظاهرات طرفدار حماس» در دانشگاه‌ها متوقف کند. در سوئد، رفقای ما در دانشگاه لوند متهم شده‌اند که در روزنامه‌های دانشجویی محلی از «وحشت افکنی» حمایت کرده‌اند.

هر دعوتی برای انتفاضه برابر با حمایت از حمله‌ی حماس در هفت اکتبر است - چیزی که نمی‌تواند دور از واقعیت باشد. سنت‌های انقلابی و دموکراتیک انتفاضه در اعتراضات توده‌ای، تحریم و اعتصاب، مدت‌هاست خاری در چشم نیروهای اشغالگر اسرائیل بوده است. و دقیقاً به همین دلیل، حماس مدت‌هاست از حمایت غیرمستقیم سیاسی و اقتصادی اسرائیل برخوردار است.

خنثی‌کننده‌ی سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) و کمونیست‌ها

حماس در جریان انتفاضه‌ی اول در سال ۱۹۸۸ و از اخوان المسلمین اسلام‌گرا تشکیل شد. هدف آن دفاع از منافع «مجمع اسلامی» بود؛ یک مؤسسه‌ی خیریه که توسط شیخ احمد یاسین رهبر اخوان المسلمین در غزه، تأسیس شد. اخوان المسلمین پس از دو دهه آزار و شکنجه در مصر در زمان ناصر، به دنبال پناهگاهی امن در غزه بود که پس از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ تحت حاکمیت اسرائیل قرار گرفته بود. اسرائیل درها را باز کرد، سازمان را به رسمیت شناخت و به آن‌ها اجازه داد تا آزادانه سرمایه و دارایی‌هایی را در طول دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ جمع‌آوری کنند. شبکه‌ی بزرگی از

مدارس، مساجد و دانشگاه‌های غزه ساخته شد که به اخوان یک شالوده‌ی جدید قوی بخشید.

نفوذ مادی و سیاسی فزاینده‌ی مجمع در غزه ناگزیر آن‌ها را با چپ فلسطینی و ساف وارد درگیری کرد. از جمله، آن‌ها به دفاتر هلال احمر (معادل اسلامی صلیب سرخ) یورش بردند و به سینماها و کافه‌ها حمله کردند، در حالی که ارتش اسرائیل ایستاده بود و تماشا می‌کرد. آزار و اذیت اعضای فتح (جناح سیاسی اصلی ساف و حزب حاکم فعلی در کرانه‌ی باختری) توسط اسرائیل، این گروه را از نظر سیاسی بیشتر تقویت کرد. «اسحاق سگف» (Yitzhak Segev)، فرماندار نظامی اسرائیل در غزه در دهه‌ی ۱۹۸۰، اعتراف کرد: «بزرگ‌ترین دشمن ما فتح بود». او گفت حماس «هنوز صد درصد صلح‌آمیز بود».

در سال ۱۹۸۴، یک انبار اسلحه در یکی از مساجد این سازمان پیدا شد و یاسین دستگیر شد. به گفته‌ی «دیوید هاجام» (David Hacham)، کارشناس نظامی اسرائیلی در غزه، یاسین در یک بازجویی گفت این سلاح‌ها علیه رقبای فلسطینی استفاده خواهد شد، نه اسرائیل. او سال بعد آزاد شد و مجمع و اسرائیل در طول دهه‌ی ۱۹۸۰ همچنان از روابط خوبی برخوردار بودند. هنگامی که در سال ۱۹۸۶ اعضای سکولار فتح و دانشجویان اسلام‌گرا در دانشگاه بیرزیت در کرانه‌ی باختری با هم درگیر شدند، ارتش اسرائیل به هواداران مجمع اجازه داد تا به دانشجویان اسلام‌گرا بپیوندند. ژنرال ارتش اسرائیل «شالوم هراری» (Shalom Harari) با این جمله به آن‌ها چراغ سبز نشان داد: «اگر آن‌ها می‌خواهند همدیگر را آتش بزنند، رهایشان کنید»

فرماندار نظامی سگف و یاسین در نهایت دوستی نزدیک برقرار کردند و برای مثال سگف ترتیبی داد که او در اسرائیل تحت معالجه‌ی پزشکی قرار گیرد. طبق یک گزارش اطلاعاتی ایالات متحده، ژنرال بعداً اعتراف کرد که به «جنبش‌های اسلامی به عنوان وزنه‌ی تعادلی برای ساف و کمونیست‌ها» کمک مالی کرده است.

انتفاضه‌ی اول و سرسپردگی ساف

انتفاضه‌ی اول فلسطین را مثل زلزله لرزاند. صدها هزار فلسطینی به خیابان‌ها ریختند، تظاهرات کردند، اعتصاب کردند، سنگ پرتاب کردند و کمیته‌های انقلابی تشکیل دادند. مبارزه برای آزادی وارد مرحله‌ی جدیدی شده بود که مجمع و اخوان المسلمین را غافلگیر کرد. اخوان مدت‌ها با مبارزه خشونت‌آمیز علیه اسرائیل مخالفت کرده بود. اما مجمع با جنبش توده‌ای که در دست داشت متوجه شد تمام مشروعیت سیاسی و فعالیت‌شان در غزه به مشارکت فعال آن‌ها بستگی دارد. بنابراین حماس را تشکیل دادند تا از طریق مبارزه‌ی مسلحانه علیه اسرائیل، منافع مجمع در غزه را تأمین کنند. یک سال پس از انتفاضه، حماس منشور مفتوح و آشکارا ضدیهودی خود را منتشر کرد که در آن هدف نابودی کشور اسرائیل از طریق جهاد اعلام شده است.

با وجود این، اسرائیل در مراحل اولیه‌ی انتفاضه ارتباط نزدیکی با حماس تازه تأسیس داشت. «محمود زهار»، یکی از بنیانگذاران حماس، اغلب با اسحاق رابین، وزیر دفاع اسرائیل (و بعداً نخست وزیر) به عنوان بخشی از مذاکرات منظم بین اسرائیل و فلسطینی‌های غیر از ساف ملاقات می‌کرد.

با اعطای مشروعیت سیاسی به حماس، اسرائیل امیدوار بود حمایت از فتح و همچنین کمیته‌های انقلابی را که در ابتدا رهبری مبارزه را بر عهده داشتند، کاهش دهد. «تونی کوردزمن» (Tony Cordesman)، تحلیلگر خاورمیانه در مرکز مطالعات راهبردی، گفت اسرائیل «به‌طور مستقیم از حماس پشتیبانی کرد. اسرائیلی‌ها می‌خواستند از آن‌ها به عنوان وزنه‌ی تعادلی برای ساف استفاده کنند». یکی از مأموران سابق سیا افزود این حمایت «تلاش مستقیمی برای ایجاد دودسته‌گی [بین گروه‌های مبارز فلسطینی] و کاهش حمایت از یک ساف قوی و سکولار از طریق استفاده از یک جایگزین مذهبی رقیب بود».

رهبران اولیه‌ی انتفاضه یکی پس از دیگری در برابر سرکوب خشونت‌آمیز تسلیم شدند و راه را برای عرفات و ساف جهت به دست گرفتن رهبری باز کردند. هزاران کمیته‌ی انقلابی تشکیل شده در طول انتفاضه در ساختار ساف جذب شدند و مشارکت

توده‌ای در مبارزه را از بین بردند. عرفات رادیکال‌ترین خواسته‌های جنبش را ساکت کرد و از راه‌حل دو کشور و به رسمیت شناختن کشور اسرائیل دفاع کرد. اکنون، با خنثی شدن نیروی انفجاری انقلابی انتفاضه، سازمان آزادیبخش فلسطین برای اسرائیل کارکرد جدیدی داشت. مذاکرات آغاز و در سال ۱۹۹۳ به توافق اسلو منتهی شد که یک شبه‌دولت فلسطینی را تضمین می‌کرد و در عوض آن ساف به‌عنوان سگ نگهبان امپریالیست‌ها و مانع بروز هر مبارزه‌ای شود.

حماس به‌عنوان مخالف اصلی توافقنامه اسلو رشد کرد. تروریسم به بخش مهمی از فعالیت‌های آن‌ها تبدیل می‌شود. در پاسخ به قتل‌عام الخلیل در سال ۱۹۹۴، اولین بمب‌گذاری انتحاری را علیه غیرنظامیان اسرائیلی انجام داد. اسرائیل موقعیت خود را تغییر داد و به‌طور فزاینده‌ای بر تهدید حماس در تبلیغات ضدفلسطینی خود تأکید کرد. با محاصره‌ی غزه در سال ۲۰۰۶ و ایجاد بزرگ‌ترین زندان روباز جهان، آخرین پایه‌ی مادی برای تقویت این سازمان تروریستی گذاشته شد.

نتانیاها، از حماس حمایت می‌کنی؟

روابط تاکتیکی اسرائیل با مجمع، حماس و دیگر عناصر اسلام‌گرا دستخوش تغییر دائمی شده است، اما استراتژی اساسی همیشه یکسان بوده است. دولت اسرائیل از تهدید حماس برای بی‌اعتبار کردن یک دولت فلسطینی در آینده استفاده می‌کند و با مشروعیت بخشیدن به حکومت حماس در غزه، امیدوار است بین فلسطینیان آنجا و فلسطینیان کرانه‌ی باختری شکاف ایجاد کند. نتانیاها با یک دست از حماس حمایت کرده و با دست دیگر شمشیر را بر روی آن‌ها چرخانده است.

به **گفته‌ی** «یووال دیسکین» (Yuval Diskin)، رئیس سابق سرویس امنیتی اسرائیل شین بت (Shin Bet)، «بنیامین نتانیاها یکی از اصلی‌ترین افرادی است که از اولین دوره‌ی نخست‌وزیری‌اش در تقویت حماس نقش داشته است». تاکتیک نتانیاها استفاده‌ی منفی از حماس برای ایجاد دودسته‌گی و حکومت در سرزمین‌های فلسطینی است. حماس یک دژکوب علیه ساف در کرانه‌ی باختری است، که طرفداران ایده‌ی دو

کشور آن را بستر طبیعی یک کشور فلسطینی در آینده می‌دانند و بنابراین از مشروعیت بین‌المللی بیشتری برخوردار است.

«گرشون هاگوهن» (Gershon Hacoheh)، یکی از نزدیکان نتانياهو، در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۹ اتفاقی این موضوع را **تأیید کرد**. «ما باید حقیقت را بگوییم. استراتژی نتانياهو این است که از گزینه‌ی دو کشور جلوگیری کند، بنابراین او حماس را به نزدیک‌ترین شریک خود تبدیل می‌کند. حماس یک دشمن آشکار و یک متحد پنهان است» به این ترتیب، ايهود باراک، رئیس‌جمهور اسراییل در سال ۲۰۱۹ **توضیح داد**: «با حماس آسان‌تر است که به اسراییلی‌ها توضیح دهیم هیچ کسی نیست تا با او بنشینیم و صحبت کنیم».

گذشته از تقویت سیاسی حماس، اسراییل در سال‌های اخیر به تقویت مالی آن ادامه داده است. بین سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸، نتانياهو اجازه‌ی انتقال یک میلیارد دلار بین خانواده سلطنتی قطر (محل استقرار حماس) و حماس در غزه را صادر کرد. اخیراً روزنامه اسراییلی هاآرتص **افشا کرد** که نتانياهو در دیدار با اعضای کنست حزب لیکود خود در سال ۲۰۱۹ گفت: «هرکسی که می‌خواهد ایجاد یک کشور فلسطینی را خنثی کند باید از تقویت حماس و انتقال پول به حماس حمایت کند ... این بخشی از استراتژی ماست - منزوی کردن فلسطینی‌های غزه از فلسطینی‌های کرانه باختری»

در سال ۲۰۲۰، زمانی که آویگدور لیبرمن (Avigdor Liberman)، وزیر دفاع اسراییل فاش کرد که نتانياهو «یوسی کوهن» (Yossi Cohen)، رئیس سرویس امنیتی موساد را به همراه «هرزی هالو» (Herzi Halevi)، افسر ارتش اسراییل در غزه به دوحه فرستاده بود تا از قطر بخواهد به حمایت از حماس ادامه دهد، رسوایی سیاسی در اسراییل به راه افتاد. لیبرمن گفت: «مصر و قطر هر دو از حماس ناراحت بودند و قصد داشتند روابط خود را با آن‌ها قطع کنند. اما ناگهان نتانياهو به عنوان مدافع حماس ظاهر شد». هنگامی که سال بعد عکس‌هایی از کیف‌های حاوی پول برای حماس منتشر شد، هم لیبرمن و هم «نفتالی بنت» (Naftali Bennet) وزیر آموزش و پرورش برکنار شدند.

تهدید واقعی

این داستان را شاید «لری جانسون» (Larry Johnson)، یکی از مقامات سابق مبارزه با تروریسم وزارت خارجه آمریکا به بهترین شکل خلاصه کرد. گویا او در مصاحبه‌ای گفته است: «اسرائیلی‌ها مانند مردی هستند که موهای خود را آتش می‌زند و سپس سعی می‌کند با ضربه‌ی چکش موهای خود را خاموش کند [...] آن‌ها بیشتر از مهار تروریسم، آن را حفظ و تحریک می‌کنند»

پروپاگاندا در مورد «تهدید حماس» که اکنون در حال انجام است یک هدف روشن را دنبال می‌کند: تفرقه‌افکنی و بی‌اعتبار کردن مبارزات مردم فلسطین. نتانیاهو و اسرائیل مدت‌هاست که با حماس به‌عنوان یک دارایی رفتار می‌کنند، نه تهدید. در مواقع حساس، آن‌ها به جای تضعیف، نفوذ آن را تقویت کرده‌اند. این رابطه طی سال‌ها مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است، اما هدف اسرائیل یکی بوده است: استفاده از حماس به‌عنوان دژ کوبی علیه عناصر دموکراتیک، سکولار، سوسیالیست و کمونیست مبارزات آزادی فلسطین.

اسرائیل به‌روشنی اعلام کرده است که انتفاضه تهدید واقعی برای اشغال است. و با وجود تمام تلاش‌های اسرائیل برای ایجاد تفرقه و نابودی جنبش مقاومت فلسطین، توده‌های فلسطینی بارها و بارها به‌پا خاستند. هیچ ارتش، هیچ سرویس امنیتی و هیچ «گنبد آهنین» نمی‌تواند قدرت عظیم مبارزه توده‌ای، اعتصاب عمومی و همبستگی بین‌المللی کارگران را متوقف کند. بنابراین می‌گوییم: انتفاضه تا پیروزی!

منبع:

John Gordon (۲۰۲۴), Hamas and Israel: friends and foes, In Defence of Marxism, Available from:

<https://www.marxist.com/hamas-and-israel-friends-and-foes.htm>